
بررسی مستندات قرآنی، روایی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ
در رابطه با نفوذ فرهنگی دشمنان در انقلاب

سید عیسی مسترحمی^۱ (نویسنده مسئول)

سید صادق مجابی^۲

چکیده

امروزه دشمنان برای رسیدن به اهداف استعماری خود و تغییر حکومت و سبک زندگی، سعی می‌کنند در همه عرصه‌ها نفوذ کرده و مبانی فکری عقیدتی مردم بخصوص نسل جوان و فرهیخته را به سمت دلخواه خود تغییر دهند. لذا با استفاده از تمامی سازوکارهای ممکن، شبانه روز فعالیت می‌کنند. نفوذ فرهنگی یکی از مهمترین روش‌هایی است که دشمنان همواره در طول تاریخ انقلاب به انحاء مختلف در پیش گرفته‌اند تا بتوانند با صرف هزینه‌های کمتر، بهتر و آسان‌تر به اهداف خود نائل شوند. اهمیت بحث « نفوذ فرهنگی » را در یک کلام می‌توان در کلمات مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، خصوصاً اشارت مهم ایشان در بیانیه ی گام دوم انقلاب مشاهده نمود. از آنجا که سخنان رهبرانقلاب برگرفته از آموزه‌های اسلام ناب محمدی ص است؛ نگارنده در این مقاله با روش توصیفی،

۱. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه. @yahoo.com ۵۱۰۱۳۶۵seid

۲. دانشجوی سطح ۴ مرکز امام علی بن ابیطالب ع رشته قرآن و مستشرقان @yahoo.com ۵۱۰۱۳۶۵seid

تبیینی ضمن مطالعه بیانات ایشان درباره « نفوذ فرهنگی » و تطبیق فرمایشات ایشان بر متون قرآنی و روایی تلاش می‌کند شاخص‌های محوری بحث، ابزارها و راهکارهای مقابله درباره نفوذ فرهنگی را تبیین نماید.

کلیدواژگان: قرآن و روایات، مستندات، نفوذ فرهنگی، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم

مقدمه

اسلام توانست با ظهورش فرهنگ کامل سعادت و شکوفایی دنیا و آخرت را بیان کرده و در دوران حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، بسیاری از این اهداف ناب اسلامی را به ثمر رساند. اما متأسفانه پس از رحلت آن حضرت، دشمنان با استفاده از غفلت و با نفوذ در عموم مردم و خواص جامعه، راهی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها در طول ۲۳ سال، با آن همه شوکت و عزت هموار نموده بود و تا آهستانه جهانی شدن قرار داشت مسدود کردند.

حال که پس از حدود هزارو چهارصد سال، با وقوع انقلاب اسلامی ایران توسط امام خمینی رحمته الله علیه، بار دیگر فرصتی جدید و سرنوشت ساز برای پیشرفت اسلام و رسیدن به اقتدار و عزت مسلمین فراهم گردیده است، باید قدر آن را دانست و مراقب بود؛ چرا که دشمنان اسلام و مسلمین در سراسر جهان متحد شده و تمام توان خود را برای نفوذ و سرنگونی اسلام عزیز به کار گرفته‌اند. یکی از مهمترین عرصه‌های نفوذ در عرصه فرهنگی جریان پیدا می‌کند و در این میان نسل جوان و فرهیخته بیشتر از هر کسی هدف نفوذ قرار گرفته‌اند. بنابراین موضوع نفوذ فرهنگی دشمن، ضرورتاً مسئله‌ای حیاتی برای بقاء حکومت اسلامی خواهد بود و یکی از گسترده‌ترین مباحث در جنگ نرم به شمار رفته و مورد تأکید مقام معظم رهبری علیه السلام خصوصاً در بیانیه گام دوم انقلاب نیز می‌باشد.

با توجه به اینکه بیانات رهبر انقلاب ریشه در اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله دارد، می‌توان گفت مهمترین ویژگی این تحقیق، مستندسازی قرآنی روایی فرمایشات حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام در زمینه نفوذ فرهنگی است که با روش توصیفی-تبیینی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین سوال اصلی در این تحقیق این است که مستندات قرآنی روایی بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام (خصوصاً با توجه با بیانیه گام دوم) در مورد نفوذ فرهنگی چیست؟

از مجموع فرمایشات رهبری در این زمینه می‌توان دریافت که از نظرایشان نفوذ فرهنگی، شاخه و رگ وریشه‌های فرهنگ جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازد. لذا بسیاری از حرکت‌های سیاسی و اقتصادی، برای نیل به این گونه از نفوذ صورت می‌گیرد. به همین دلیل

ایشان به موضوع اقتصاد نیز نگاه فرهنگی دارند و لذا اقتصاد و فرهنگ را در عرض یک دیگر نمی‌دانند؛ بلکه طبق دیدگاه ایشان، اقتصاد ذیل فرهنگ است و نتیجه اصلاح اقتصادی نیز رسیدن به فرهنگ است. با نگاه با آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام روشن می‌گردد که یکی از گرفتاری‌های مهم انبیاء و رهبران الهی در جوامع انسانی نیز، درگیری‌های ایشان در رابطه با نفوذ فرهنگی دشمنان بوده است. لذا همواره خطر استعمار فرهنگی محسوس می‌باشد و باید با راهکارهای مناسب به مقابله با آن پرداخت.

پیشینه بحث

با مطالعاتی که انجام شده باید گفت پیشینه این موضوع در انقلاب اسلامی ایران به زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بر می‌گردد؛ لکن جای تعجب و تاسف دارد که با این همه تذکر از جانب امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (حفظه الله)، تحقیق جامع و کاملی در چنین مسئله مهمی صورت نپذیرفته و فقط در حد چند پایان نامه و مقاله و کتاب با سرفصل‌های مشوش و پراکنده به طور کلی به این موضوع پرداخته شده است. مثلاً در کتاب تهاجم فرهنگی اثر استاد آیت‌الله مصباح یزدی تنها در فصل دوم کتاب به کلیاتی در مورد نفوذ فرهنگی اشاره شده است. یا مثلاً کتاب شبکه‌های عنکبوتی اثر محمد کهوند در مورد نفوذ در فضای مجازی بحث شده و ابعاد دیگر این مسئله مورد نظر نویسنده محترم قرار نگرفته است. مهم تر صرفاً اینکه در این موارد، مستندات قرآنی روایی در حد بسیار ضعیف بیان گردیده است.

مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث، شناخت معنا و مفهوم نفوذ و نفوذ فرهنگی امری ضروری است. در این قسمت به طور اجمال مفهوم واژگان کلیدی تبیین می‌گردد.

معنای نفوذ

کارکردهای واژه نفوذ گوناگون بوده و در معانی پُرکردن منافذ و جاهای خالی، تسلط غیر مادی، پیشروی با سرعت و قدرت بازیکن در ورزش، سرایت کردن، نشت کردن، جاسوس، اجرایی شدن حکم وغیره به کار رفته است. (<https://www.vajehyab.com/>)

نفوذ در لغت عرب، مصدر فعل (نَفَذَ يَنْفُذُ) می باشد. در کتب لغت همچون لسان العرب، العین، مجمع البحرین و مفردات راغب واژه (نَفَاذ) را نیز مترادف نفوذ و مصدر (نَفَذَ يَنْفُذُ) بیان نموده اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸، ۱۹۰ / ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۵۱۴ / جوهری، ۱۴۰۷: ۲، ۵۷۱ / طریحی، ۱۳۵۷: ۴، ۳۴۴)

در تمامی کتب یاد شده در لغت عرب، یک مفهوم واحد از این واژه بیان گردیده است. (نَفَذَ) در این کتب بیشتر به معنی ورود، رخنه کردن، سوراخ کردن و عبور از هدف، معنا شده است. باید گفت لازمه ی نفوذ؛ ورود و رخنه کردن در چیزی است. مانند اینکه گفته شده (سلک الطريق ای نفذ فیه) یعنی داخل مسیر شد و (سلک الخیط فی الابره ای نفذ فیه) یعنی نخ داخل سوزن شد و از آثار نفوذ، مطاع بودن، اجرایی شدن، به نتیجه رسیدن، خروج و عبور از امری است که مورد نفوذ می باشد، مانند اینکه تیری از کمانی خارج شود. همچنین آیه ی «یا معشرَ الجنِّ و الانسِ انِ استَطَعْتُمْ ان تَنْفُذُوا» (الرحمن، ۳۳) بر همین معنا دلالت دارد.

این کلمه در زبان فارسی نیز به نوعی از معنای عربی اش الهام گرفته است و به معنای فرورفتن در چیزی (هدف) و جاری شدن حکم و فرمان، تأثیر گذاشتن بر کسی، و راه یافتن پنهان در گروهی یا جایی به منظور هدفی است. (دهخدا، کتابخانه دیجیتالی، ۲۱۰۶ / معین، ۱۳۸۸، ۴، ۴۷۸۸)

با بررسی های صورت گرفته مشخص شد که واژه نفوذ در لغت دارای دو جنبه است. یک جنبه ی رخنه و ورود و دخول در چیزی و یک جنبه ی اجرایی و اثرگذاری و نتیجه دهی بعد از ورود که به صورت مساوی در مفهوم نفوذ دخیل هستند. لذا اگر جنبه دوم (جنبه ی اجرایی و اثرگذاری و نتیجه دهی) در خارج و در عمل ایجاد نشود، عنوان نفوذ نیز صدق

نخواهد کرد. به تعبیر دیگر در معنای نفوذ داخل شدن و رخنه، بدون اثر گذاری ممکن نیست. یعنی تنها وقتی می‌توان گفت نفوذ محقق شده که اثرگذار هم باشد؛ در غیر این صورت و بدون اثرگذاری، واژه نفوذ معنا نخواهد داشت.

برخلاف اتحاد نسبی که در مفهوم لغوی واژه نفوذ بیان شد، باید گفت در معنای اصطلاحی تعاریف گوناگونی از واژه نفوذ ارائه شده است. برای نمونه برخی گفته‌اند: «رسوخ، تأثیر، ورود و قدرت یابی در مکان یا محیط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی خاص از طریق راهیابی پنهانی یا غلبه یا تأثیرگذاری». (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۷۸)

در جای دیگر اینگونه آمده: «اعمالی که مستقیم یا غیر مستقیم موجب تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شوند». (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

این واژه همچنین به این صورت تعریف شده: «نفوذ شکلی از قدرت است اما متمایل به کنترل، اجبار و زورنیست. نفوذ نوعی رابطه میان بازیگرانی است که موجب آن یک بازیگر بازیگران دیگر را وا می‌دارد تا به طریقی که خواست خود آنها نیست عمل کند». (آقابخشی، ۱۳۸۴: ۳۱۴)

با توجه به تعاریف بررسی شده، به نظر می‌رسد برای تعریف جامع اصطلاحی در رابطه با نفوذ باید گفت: نفوذ یعنی ورود پنهانی یا ورود با قدرت و غلبه در حوزه اعمال، افکار و اعتقادات یک فرد یا جامعه که در نتیجه باعث تغییر نگرش در افکار و سپس رفتار آن فرد یا جامعه می‌شود. بنابراین نفوذ دشمن به معنای ورود دشمن در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی رقیب خواهد بود و در نهایت منجر به بیمار شدن سیستم اعتقادات و فرهنگ و اقتصاد و ... در فرد و جامعه شده و منتهی به نابودی آنها می‌شود.

معنای فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» می‌باشد. «فر» پیشوندی است که در معنای جلو، بالا و پیش، به کار می‌رود و «هنگ» به معنی کشیدن، سنگینی و وزن می‌باشد و فرهنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، هنر، آداب و رسوم است. (دهخدا،

ذیل واژه فرهنگ). ادوارد تایلور (Tylor) نیز در یک نگاه، فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از ملت از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند. (آشوری، ۱۳۸۹: ۳۲ و ۷۱)

بر اساس مجموع بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، الگوهای حاکم بر بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها، معنای عام فرهنگ است. الگو به معنای آن چیزی است که به انسان شکل می‌دهد. به عنوان مثال، گرایش‌هایی جزء فرهنگ انسان هستند و الگو به حساب می‌آیند که سایر گرایش‌های انسانی بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرند. رهبری در بیان مصادیق و شاخه‌های فرهنگ معمولاً از سه لفظ عقاید، اخلاق و آداب استفاده می‌کنند که به نظرمی رسد این معنای خاص فرهنگ است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۹۳/۳/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26518>) اما معنای عام فرهنگ از دیدگاه رهبر انقلاب شامل ادبیات، هنر، علم، عادات و اخلاق جامعه و سنن موجود جامعه و شامل خصلت‌های ملی می‌شود، و فرهنگ مدروس و مکتوب مدرسی در معنای عام آن جایگاهی ندارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۵/۹/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9615>)

معنای نفوذ فرهنگی

باید گفت نفوذ فرهنگی نیز تعریفی برگرفته از فرهنگ دارد. در یک تعریف، نفوذ فرهنگی یعنی کاربرد قدرت سیاسی و اقتصادی برای پراکندن ارزش‌ها و عادت‌های فرهنگ متعلق به آن قدرت در میان مردمی دیگر و به زیان فرهنگ آن مردم. (آشوری، ۱۳۸۷: ۲۷)

مقام معظم رهبری علیه السلام نفوذ فرهنگی را اختلال و رخنه و خدشه در آن باورها و اعتقاداتی می‌دانند که توانسته یک جامعه اسلامی را روی پای خود نگه دارد. ایشان مکرر بیان فرموده‌اند که دشمن جمهوری اسلامی با تمام توان خود به میدان آمده و تلاش شبانه‌روزی خود را برای این منظور قطع نکرده است. لذا می‌فرمایند: «... اگر این توانایی را پیدا کرده‌اند که فرهنگ آن ملت را مضمحل کنند و تحت تأثیر قرار دهند و تضعیف کنند، پایه‌های

قدرتشان در آنجا مستحکم شده و اگر در جایی فرهنگ ملی و بومی به خاطر کهنسال بودن، ریشه دار بودن و برجسته بودن مضمحل نشده و از بین نرفته، استعمارگرها و اشغالگرها نتوانسته‌اند مدت زیادی از آنجا منافع خودشان را تأمین کنند و ناچار شدند که آن منطقه را رها کنند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۹۴/۶/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>)

بیانات رهبر انقلاب در رابطه با نفوذ فرهنگی

فرهنگ مقوله‌ای است که جان یک ملت به وسیله آن می‌تپد. فرهنگ آئینه تمام‌نمای فکرو اندیشه و تمدن یک کشور به شمار می‌آید. در مورد فرهنگ اجتماعی کشور ایران باید گفت که این فرهنگ، برگرفته از آداب و رسوم چند هزارساله بوده و بسیار غنی می‌باشد و از دیرباز به شدت توانسته بر فرهنگ‌ها و مردم جهان تا نقاطی چون ایتالیا، مقدونیه و یونان، روسیه، شرق اروپا و آسیای میانه، شبه جزیره عربستان، جنوب شرق آسیا، شبه قاره هند و شرق آسیا اثرگذار باشد.

. (November ۲۰۱۸ "Persian Influence on Greek Culture". Livius.org)

Retrieved July ۲۰۱۹)

اما پس از انقلاب اسلامی، فرهنگ جهاد فی سبیل الله و انقلابی‌گری و انقلابی زیستن برای رشد و تعالی کشور و افراد جامعه، به طور جدی برگرفته از فرهنگ و مکتب کامل اسلامی بوده است و جالب اینکه در مدت چهل سال از عمر انقلاب توانسته این فرهنگ ناب را به کشورهای همسایه نیز صادر کند و جریان بیداری اسلامی را در منطقه شکل دهد. به همین جهت حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام معتقد است عرصه فرهنگی بسیار مهم بوده و از مسائل دیگر همچون اقتصاد نیز مهم‌تر می‌باشد. زیرا فرهنگ در نگاه رهبر انقلاب به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم. اگر این هوا پاکیزه باشد در بدن انسان آثاری دارد و اگر آلوده باشد آثار دیگری دارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>)

مقام معظم رهبری علیه السلام همچنین در این رابطه فرموده بودند: «توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه‌ی فرهنگی داردکار می‌کند. این جنگهای روانی، این فعالیت‌های فرهنگی، این بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهنها می‌گذارند، همه‌اش مربوط به مسئله‌ی فرهنگ است. فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه‌ی کارها همه برخاسته‌ی از آن چیزی است که شما استنشاق کرده‌اید. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود، نتیجه‌ای که در اندامها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده‌اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. فرهنگ را دست کم نگیرید؛ خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت‌ارزشی به فرهنگ بدهید». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۸۶/۶/۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3398>

پس از بیان اهمیت عرصه فرهنگی، ایشان در فرمایش دیگری بیان می‌دارند که مراد ما از فرهنگ همان ذهنیت هاست؛ ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند. برای نمونه، ذهنیت مقابله با ظلم و برگرفته از فرهنگ عاشورایی را می‌توان مثال زد که موجب هشت سال دفاع خالصانه در برابر تجاوز ناجوانمردانه دهها کشور غربی و شرقی بر علیه کشور و ملت ایران گردید. لذا دشمنان ایران از داشتن چنین فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی بسیار ناراحتند. چراکه با وقوع انقلاب اسلامی، جلوی پچاولگریشان گرفته شد و پایه‌های استعمارگریشان را به شدت لرزاند. به همین جهت دشمنان این ملت از صدر انقلاب اسلامی تا کنون در این عرصه دست به کار شده و در جهت رفع مانع انقلاب تمام تلاش خود را می‌کنند تا به این فرهنگ ضربه‌ای وارد کرده و آن را مخدوش نمایند. بنابراین با توجه به کوششهای مجدانه دشمن برای نفوذ در فرهنگ ملت

ایران و طبق دیدگاه رهبر انقلاب، حرکت نفوذی استعمار فرهنگی یعنی، حضور قدرتهای مسلط نظامی و سیاسی دنیا در کشورهایی که می‌توانستند با استفاده از زور در آنها حضور پیدا کنند و منافع خودشان را از آن جاها تأمین کنند و در واقع از منافع مادی و معنوی آن کشور سرمایه‌ای برای خودشان بسازند. (امام خامنه‌ای، ۸۳/۲/۲۸، بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3232>) حال که فرهنگ انقلاب و انقلابی‌گری مانعی برای رسیدن دشمنان به اهداف و منافعشان شده است، مطابق بیان رهبری آنها در صدد آلوده کردن این فرهنگ بر می‌آیند تا بتوانند آن را در جامعه دستخوش تغییر و یا تحریف قرار داده و نفوذ فرهنگی را محقق سازند.

از مجموع این بیانات روشن شد که نفوذ فرهنگی دشمن، حوزه اعتقادی، تربیتی، اخلاقی، رفتاری و فرهنگ دینی و ملی ما را هدف قرار داده است. در نتیجه مطابق سفارش رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب باید هوشیار بود. مطابق بیان ایشان، مدیران، کارگزاران، اندیشمندان و فعالان جوان برای ارتقاء فرهنگ ملی و مقابله در برابر نفوذ دشمنان می‌بایست شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت قرار داده و در این مسیر از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته استفاده نمایند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی قرار دهند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

بررسی و تطبیق مستندات قرآنی، روایی در رابطه با نفوذ فرهنگی

با نگاهی به آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام در این زمینه، روشن می‌گردد که یکی از گرفتاریهای مهم انبیاء و رهبران الهی در جوامع انسانی، درگیری‌های ایشان در رابطه با نفوذ فرهنگی دشمنان بوده است. اینک به فراخور حال این تحقیق، به چند نمونه از آیات و روایات در این زمینه اشاره خواهد شد.

مستندات قرآنی نفوذ فرهنگی

۱. تخریب و وابستگی فکر و اندیشه و تشکیک در اعتقادات

همانطور که در کلام رهبرانقلاب بیان شد، از مهمترین علت‌های نفوذ فرهنگی، تغییر فکر و اندیشه و اعتقادات آحاد مردم و اجتماع، و ایجاد وابستگی‌های گوناگون برای نیل به استعمارگری در این زمینه می‌باشد. این مسئله در قرآن نیز قابل استناد است. حدود ۶ آیه در قرآن با عبارت «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ» آغاز می‌شود که نشان می‌دهد دشمنان همواره برای تشکیک در اعتقادات مردم سعی کرده‌اند رسولان و رهبران الهی را دروغگو جلوه دهند.

در داستان فرعون در جریان ایمان به پیامبر الهی آمده است که به مردم سرزمینش چنین می‌گوید: «قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُتُمْ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ». (اعراف، ۱۲۳) فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه‌ای است که در این شهر (و دیار) چیده‌اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی خواهید دانست!

بر طبق این آیه در نفوذ فرهنگی بر علیه حکومت‌ها، آزادی اندیشه و حق انتخاب عقیده از مردم سلب می‌شود. (قرآنی، ۱۳۷۴، ۳، ۱۴۳) منطق استعمارگران اینگونه است که کاری کنند تا مردم در امور قلبی خودشان نظیر ایمان، محبت و کینه از استعمار اجازه بگیرند، در حالی که طبق بیان دین، در جهان هستی هیچ نیرو و استعماری حق ندارد بر قلب انسانهای مظلوم یا ضعیف دیگر حکومت کند؛ لکن منطق خودکامگان چنین است. (مغنیه، ۱۳۷۸، ۳، ۵۸۴)

همچنین با توجه به گزارشات تاریخی در آیات الهی می‌توان دریافت که وقتی فرهنگ ضد شرافت و کرامت انسانی بر یک امت و ملت غلبه کند، تغییرش بسیار سخت و سنگین خواهد بود، تا جایی که گاهی رهبران الهی و انبیاء اولوالعزم هم از اصلاح آن به طرق عادی عاجز می‌شدند. برای نمونه فرهنگ ظالمانه فرعونیان طبق آیه «وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنْ

الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». (یونس، ۸۶) مورد شکایت نبی خدا و پیروانش بوده و خواستار نجات از درگاه الهی می‌شوند. آیات پیرامون این آیه نشان می‌دهد که فرهنگ طاغوتی و جاه و جلال و جبروت زندگی فراعنه، طوری بود که گویی چشم‌ها را خیره می‌کرده است. اما فرعونیان از این موهبت‌های الهی به خاطر فرهنگ کاخ نشینی‌ای که داشتند در جهت ظلم و عصیان و گمراه کردن مردم استفاده می‌نمودند. سه تعبیر متفاوت اسراف‌گری و ظلم و کفر خطاب به فراعنه در این آیات، شاید به این جهت باشد که انسان در مسیر گناه و خطا نخست از «اسراف»؛ یعنی تجاوز از حد و مرزها شروع می‌کند، بعد بنای «ستمکاری» می‌گذارد و سرانجام کارش به «کفر و انکار» منتهی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۸، ۳۶۸) یعنی انتهای فرهنگ اسراف‌گری و فساد، ظلم و در نهایت کفر است.

در انتها حضرت موسی علیه السلام پس از تبلیغ رسالت و نپذیرفتن معبود یگانه از سوی فرعونیان و ادامه فرهنگ فساد، نسبت به فرهنگ ظلمانی آنها به درگاه خدا شکوه برده و می‌فرماید: «...رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ *» پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سخت گردان که ایمان نیاورند تا آنکه عذاب دردناک را ببینند. (یونس، ۸۸)

در تفسیر نمونه اشاره می‌کند که اگر حضرت موسی علیه السلام از پروردگار درباره فرعونیان عذاب می‌خواهد، نه به خاطر روح انتقام جویی و کینه توزی است، بلکه به خاطر این است که آنها دیگر هیچ‌گونه آمادگی برای ایمان ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۲، ۳۱۱) این تفسیر نشان می‌دهد که وقتی تغییر فرهنگ یک امت میسر نباشد، همچنانکه اشاره شد، انتهای آن فرهنگ ظالمانه، فساد در زمین و در نهایت استحقاق عقوبت الهی خواهد بود. در تفسیر کاشف نیز بیان شده: «بی‌تردید، حضرت موسی علیه السلام آنان را نفرین نکرد و این سخن را بر زبان نیاورد مگر زمانی که از اصلاح آنها ناامید شد». (مغنیه، ۱۳۷۸، ۴، ۲۹۸)

اما رنج بزرگتر این است که بقایای فرهنگ جاهلی حتی پس از نابودی دشمنان در مردم باقی بماند. حضرت موسی علیه السلام وقتی بعد از آن همه زحمت در عرصه رسالت و تبلیغ دین

توحیدی، عده‌ای را به راه خدا می‌آورد و ایمان به خدای واحد را به آنها تلقین می‌کند، اما باز می‌بیند که با یک مسئله جزئی، بنی اسرائیل از این ایمان بر می‌گردند، بسیار رنجور و ناراحت می‌شود. لذا در قرآن دارد: «وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ». (اعراف، ۱۵۰) و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید.

تغییر فرهنگ جاهلی آنچنان طاقت فرسا است که به فرموده امیرالمومنین علیه السلام مانند گیرکردن استخوان درگلو و رفتن خار در چشم می‌ماند (اشاره به خطبه شقشقیه) و گاهی باید صبر جمیل کرد تا پیشرفتی حاصل شود. شدت سخت بودن این تغییر وقتی بیشتر محسوس می‌شود که ببینیم یک پیغمبر، ۹۰۰ سال در تغییر آیین گمراه ملتی تلاش کند و با خون دل خوردن‌ها، تبلیغ به وحدانیت و پذیرفتن فرهنگ دینی و الهی کند، اما ثمره‌ی چندانی نداشته باشد، مانند داستان نوح نبی علیه السلام که به خدایش می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا * فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (نوح: ۵ و ۶) خدایا در این سال‌های طولانی نبوت، شبانه روز در جهت تغییر فرهنگ دینی این مردم برای اقرار به وحدانیت تلاش کردم، اما از من گریزان بودند. آن حضرت وقتی می‌بیند اصلاح فرهنگ دینی ممکن نیست، مانند حضرت موسی علیه السلام دست به دعا برداشته و قوم گمراهش را نفرین می‌کند: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرْنِي يَظِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا». (نوح: ۲۶ و ۲۷)

۲. بنده‌ی دشمن شدن در پرتو نفوذ فرهنگی

یکی از آثار و پیامدهای مهم در نفوذ فرهنگی تبعیت از افکار دشمنان است. این همان بردگی فکری است که انسانها را عبد خواسته‌های شیطانی خود می‌کند. بخش مهمی از آیه‌ی معروف «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...» دلالت می‌کند که خداوند سلطه و استعمار فرهنگی و فکری را یک نوع عبودیت و پرستش می‌داند و می‌فرماید: «...وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ

دون‌الله...». لذا همان گونه که با شرک و بت پرستی مبارزه می‌کند با استعمار فکری و سلطه فرهنگی نیز می‌جنگد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲، ۵۹۵)

بنابر نظر علامه طباطبایی علیه السلام مراد از جمله « أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ » اثبات عبادت خدانیست، بلکه منظور نفی عبادت غیر خدا است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳، ۳۹۰) بنابراین همانطور که رهبرانقلاب فرموده‌اند، نفوذ فرهنگی استعمار دنبال برده کردن انسانهاست و این دقیقاً بر ضد منطق قرآن می‌باشد.

این منطق قرآنی در کلام انبیاء الهی نیز مشهود است. مانند سخن حضرت یوسف به دوستان زندانش که فرمود: « يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَزَبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ * مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ... ». (یوسف، ۳۹) ای دو رفیق زندان من، آیا خدایان متفرق (بی حقیقت مانند بتان و فراعنه و غیره) بهترند یا خدای یکتای قاهر و غالب؟ شما به جای او جز نامهایی [چند] را نمی‌پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید، و خدا دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است. فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید.

بر طبق امثال این آیات و سفارش رهبران الهی، پذیرفتن استعمار فرهنگی دشمن یعنی بردگی غیرالهی و این بردگی با وجدان و روح و روان انسان‌ها در تضاد هست.

۳. اشاعه فرهنگ استعماری

شبکه‌های مختلف استعمارگر در صدد همراه کردن مردم با خود هستند و به همین سبب، از تبلیغات ایجابی و سخنان و مناظره‌های مجاب‌کننده استفاده می‌نمایند و برای همسو کردن مخاطبان با خود از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. بسیاری از افرادی که به تقلید و پیروی از این شبکه‌ها پرداخته‌اند، بهانه‌ای جز هم‌رنگ شدن با جماعت را ندارند. وقتی چنین شد، مردم با پذیرش فرهنگ استعمارگر، راه غلبه دشمن بر خود را کوتاه کرده و در نتیجه خود مردم علاوه بر اینکه حقوق و منافعشان به تاراج می‌رود، تدریجاً نیز به نوعی به یک استعمارگر بالقوه تبدیل می‌شوند.

قرآن کریم که بر مبنای نیاز روز نازل شده، به همین دلیل پذیرش فرهنگ بیگانه را به صورت چشم و گوش بسته و بدون در نظر گرفتن عقل و منطق نکوهیده است و همگان را به تدبیر فراخوانده است: «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ». (مومنون، ۶۸) یا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟ بر طبق بیان سید قطب، فرهنگ دینی آنقدر جذاب و زیبا و مستدل و منطبق با عقل و منطق بشری است که نیازی به جایگزینی با فرهنگ دیگری نداشته باشند. اما مردم به خاطر عدم تدبیر در این فرهنگ اصیل و به بهانه‌های واهی به دنبال فرهنگ بیگانه می‌روند. (قطب، ۱۴۲۵، ۴، ۲۴۷۴)

بنابراین طبق بیانات رهبری و آیات الهی، استعمار در تلاش است که بتواند فرهنگ خویش را جایگزین فرهنگ اصیل کشور مستعمره بکند تا در پرتو آن به اهداف خویش برسد.

مستندات روایی نفوذ فرهنگی

۱. تلاش در حفظ فرهنگ دینی و ملی در برابر نفوذ فرهنگی

فرمایشات امیرمومنان علیه السلام از تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که اقوام عرب چون تنها به منافع خود و خویشاوندانشان می‌اندیشیدند و مفهوم کشور و منافع ملی برای آنان بیگانه بود، دارای روحیه‌ی استبداد و استعمارگری خاصی بوده‌اند. امام علی علیه السلام با توجه به این که در دامان پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله تربیت شده بودند، شخصیت ایشان با فرهنگ مذهبی اسلام رشد کرده بود و از فرهنگ استعماری عرب جاهلی، بسیار فاصله داشت.

فرهنگ خدامحوری، عدالت خواهی، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی (شامل: امر به معروف و نهی از منکر، تحمل سختی‌ها و مشکلات در راه حق و در مسیر جهاد فی سبیل الله، یاری مستمندان و انفاق، قرض الحسنه، ملت گرایی و...)، تقواگرایی و پاسداری از کرامت انسانی، همگی از موارد فرهنگ اسلامی است که ایشان از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا گرفته‌اند.

ایشان در راستای حفظ این فرهنگ نورانی در برابر نفوذ دشمنان، خطاب به مردم و اصحابشان فرمایشات مهمی داشتند. به عنوان نمونه در فرهنگ اسلامی که حاکم بر حکومت امام علی علیه السلام بود، حتی اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، زرتشت و...) هم باید احساس امنیت، برابری در برابر قانون و نیز امکان استیفای حقوق خود را داشته باشند. لذا حضرت ضمن سفارش به حاکم فارس در جهت رسیدگی به زرتشتیان، تأکید می‌نماید که باید با ایشان خوش رفتاری شود و نسبت به شکایت دهقانان این منطقه، به والی فارس هشدار می‌دهد که حتما رعایت تعادل نسبت به ایشان بشود: «... وَ نَظَرْتُ فَلَمْ أَرَهُمْ أَهْلًا لِأَنْ يَدْتُوا لِشِرْكِهِمْ، وَ لَا أَنْ يَقْصُوا وَ يَجْفُوا لِعَهْدِهِمْ. فَأَلْبَسْ لَهُمْ جِلْبَاباً مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِبُهُ بِطَرْفٍ مِنَ الشَّدَّةِ، وَ دَاوِلْ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَ الرَّأْفَةِ». (نهج البلاغه، نامه ۱۹) شنیدم که خوارشان شمرده و بر آنها ستم روا می‌داری. در کارشان اندیشه کردم. آنان را سزاوار نزدیک کردن ندیدم، چون مشرکند، و شایسته دور شدن و جفا نیافتم چون با ما پیمان بسته‌اند. پس برای آنان جامه‌ای ازمدارا همراه با اندکی سختی بپوش، و رفتاری مخلوط از نرمی و شدت با آنان داشته باش.

ایشان همچنین در جریان بیرون کشیدن خلخال از پای زن یهودی فرمودند: «فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا، بَلْ كَانَ بِهٍ عِنْدِي جَدِيرًا». (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) اگر بعد از این حادثه مسلمانی از غصه بمیرد جای ملامت نیست، بلکه مرگ او در نظر من شایسته است.

این فرمایشات گهربار بیانگر فرهنگ ملی دین اسلام است که در آن حتی غیرمسلمین نیز دارای حق و حقوق هستند. همین برجستگی فرهنگ، باعث جذب غیرمسلمانان به دین اسلام بود و برای همین عرب جاهلی و استعمارگر با نفوذ در این فرهنگ سعی می‌کرد مردم را نسبت به آن بی‌توجه کند.

نمونه دیگر در مسیر حرکت امام علی علیه السلام به شام در جنگ صفین اتفاق می‌افتد که عده‌ای از دهقانان شهر انبار به امام علیه السلام برخورد کردند. از اسبان و اشتران خود پیاده شدند و پیشاپیش آن حضرت می‌دویدند. حضرت فرمود: چرا چنین می‌کنید؟ گفتند: این کار در

فرهنگ و عادت ما برای بزرگداشت و احترام فرمانروایان می باشد. حضرت ﷺ فرمود: «وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ، وَإِنَّكُمْ لَتَشْفُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِي ذُنُوبِكُمْ وَتَشْفُونَ بِهِ فِي [أَخْرَاكُمْ] آخِرَتِكُمْ؛ وَمَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ، وَ أَرْيَحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ». (نهج البلاغه، حکمت ۳۷) به خدا قسم این کاری است که امیرانتان از آن سود نبردند و شما خود را در زندگیتان به مشقت می افکنید و در آخرت به بدبختی گرفتار می شوید. چه زیان بار است مشقتی که در پی آن عذاب باشد و چه سودمند است آسودگی همراه با ایمنی از عذاب خدا.

با استناد به این سخنان و قسم جلاله روشن می گردد که حفظ کرامت انسانها جزئی از فرهنگ اسلامی است که متأسفانه اعراب استعمارگران زمان، فرهنگ ذلت باری را در بین مردم جا انداخته بودند تا مقام و منصب و منافعشان در امان باشد. بنابراین عرب جاهلی به ناچار برای حفظ منافع خود به مقابله با این فرهنگ ناب می پرداخت و یکی از مهمترین آنها نفوذ فرهنگی بوده است؛ کاری که امروز نیز استعمارگران انجام می دهند.

۲. تظاهر به فرهنگ اسلامی از سوی استعمارگران

یکی از این نمونه‌های بارز برای تظاهرگری به فرهنگ مقدس اسلامی معاویه است. کسی که بنا داشت صدای اذان را از ماذنه‌ها حذف کرده و اسلام را از ریشه نابود کند. (به نقل از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۵، ۱۲۹ و ۱۳۰) وی در تاریخ تشیع از استعمارگران فرهنگی زبده‌ای به شمار می رود که توانست با نفوذ و تظاهر به فرهنگ اسلامی آن روز، نهال شوم شجره خبیثه اش را بنیانگذاری کند.

امیر مومنان ﷺ می فرماید: «... وَأَحَدِرْكُمْ أَهْلَ التَّفَاقِ فَإِنَّهُمْ الصَّالُونَ الْمُضِلُّونَ وَالزَّالُونَ الْمُزِلُّونَ يَتَلَوْنَوْنَ أَلْوَانًا وَيَقْتَتُونَ افْتِنَانًا وَيَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ وَيُرْصِدُونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ قُلُوبُهُمْ دَوِيَّةٌ وَصِفَاحُهُمْ نَقِيَّةٌ يَمْشُونَ الْحَفَاءَ وَيَدْبُونَ الصَّرَاءَ وَصَفُهُمْ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُمْ شِفَاءٌ وَفِعْلُهُمُ الدَّاءُ...». (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵)

ایشان منافقان را افرادی دور و دشمن مومنان معرفی کرده‌اند. حضرت هشدار می دهند

که هدف آنها نفوذ در درون جامعه به وسیله تظاهر به فرهنگ اسلام است تا در غالب آن بتوانند فرهنگ دینی شما را تغییر دهند.

مرحوم فیض در تبیین سخنان حضرت علی علیه السلام می گوید: « اگر به اندیشه های آنان (دشمنان) پی برید و کناره گیرید با وسائل دیگری در صدد فریب شما بر می آید تا بالأخره شما را با خود همراه سازند. (اصفهانی، ۱۳۶۸، ۳، ۳۱۱)

با تایید خلافت امیرالمومنین علیه السلام و احیاء فرهنگ ناب اسلامی توسط ایشان، معاویه باز هم دست از حرکت‌های استعماری مرموزانه و خاموش خویش برداشت و با استفاده از همین تظاهر به فرهنگ دینی باعث به زحمت افتادن امیرالمومنین علیه السلام در اداره حکومت و ایجاد جنگ‌های گوناگون بین مسلمین شد. شاید بتوان نقشه قرآن بر نیزه قرار دادن او را به عنوان یکی از زیرکانه ترین تظاهرات او به اسلام تلقی کرد. متأسفانه این حرکت‌های نفوذی تا جایی پیش رفت که اصل اسلام دچار بحران شده و به خطر افتاد و اگر خون امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش جاری نمی شد، قطعاً امروز نیز اسمی از اسلام نبود.

ابزار نفوذ فرهنگی

بیانات رهبر معظم انقلاب در رابطه ابزارهای نفوذ فرهنگی دشمنان

ابزار نفوذ فرهنگی مبتنی بر ایجاد تغییر در جهان بینی ها، فرهنگ ها، باورها، بینش ها، رفتار و نگرش های سیاسی، فرهنگی بوده و با هدف تغییر نامرئی و نامحسوس فرهنگ و هویت ملت ها پایه ریزی شده است. البته ممکن است ادوات نظامی هم به کار گرفته شود، ولی آن هم در پرتو ابزار نفوذ فرهنگی مخفی شده و مسیر اجرای نفوذ را تقویت می کند.

با توجه به اهمیت این مطلب در کلام رهبری، بررسی ابزار نفوذ فرهنگی برای مقابله و دفع و رفع آن، امری اجتناب ناپذیر است. در این قسمت به بخشی از مهمترین ابزارهای مورد استفاده برای نفوذ فرهنگی اشاره می شود.

۱. تغییر فرهنگ به وسیله تبلیغات

باید پذیرفت که دستگاه تبلیغاتی دشمنان بسیار پیشرفته بوده و در نفوذ اثر بسزایی دارد. رهبرانقلاب یکی از مهمترین ابزارهای نفوذ فرهنگی دشمنان را رسانه‌ها و رادیو و ماهواره می‌دانند. در واقع دشمنان از طریق وسایل ارتباط جمعی که پوششی فراگیر دارند حتی وارد زندگی خصوصی مردم می‌شوند. البته اثرات مخرب این ابزار امروزه در اجتماع و خصوصاً در خانواده‌ها مشهود است. مقام معظم رهبری علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: «تبلیغات دشمنان به شکلهای مختلف انتقاد، گاهی را کوهی کردن، مشکل کوچکی را ده برابر جلوه دادن و از این رادیو و آن رادیو گفتن است». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۳/۷/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729>)

ایشان در بیان دیگری فرمودند: «تبلیغات دشمنان، قوی است. امروز زر و زور و تزویر با هم در اختیار استکبار است و تزویرشان به وسیله‌ی همین بوقهای تبلیغاتی است». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۸۱/۶/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3143>)

بیانات رهبری در رابطه با شعارهای تبلیغاتی که به دگرگونی باورها و اعمال جامعه مسلمان می‌انجامد، در واقع همان چیزی است که در قرآن تأکید شده تا فریب این شعارهای تبلیغی توسط نفوذی‌ها را نخوریم و به تبع آن اسیر دشمنان نشویم. چرا که عمده کار دشمنان و نفوذی‌ها این است که با زینت بخشی ظاهری و جلوه‌گری مؤمنان بی بصیرت یا کم بصیرت و ظاهربین را از بازشناسی حقایق مملکتشان باز دارند. خداوند در این رابطه می‌فرماید: «... وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ». و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی‌شوند! (نمل، ۲۴)

این مسئله را به صورت خاص تر می‌توان در داستان فرعون احساس نمود؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ

الألیم». موسی علیه السلام گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده‌ای، پروردگارا! در نتیجه (بندگانت را) از راه تو گمراه می‌سازند! پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و (بجرم گناهانشان،) دل‌هایشان را سخت و سنگین ساز، به گونه‌ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند. (یونس، ۸۸)

مطابق محتوای این آیه یکی از ابزارهای فرهنگی مورد استفاده فرعونیان (زینت) بوده است. زینت از مصدر (زین) به معنای آراستن است، و آن حالت و وضعی است که موجودی، آنرا به خود می‌گیرد و باعث می‌شود که موجودی دیگر جذب آن شود. یعنی آنچه باعث آراستگی است. این زینت بخشی یکی از ابزارهای فرهنگی مورد دشمنان است که باعث نفوذ و تغییر افکار و اعمال مردم خواهد شد. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: «اینکه در آیه شریفه بین زینت و مال مقابله شده و آن را در مقابل این قرار داده به ما می‌فهماند که منظور از زینت تنها جهت زینت است، با قطع نظر از مالیت آن. و خلاصه کلام، منظورش چیزهایی از قبیل جواهرات و زیورآلات و جامه فاخر و اثاث تجملی و ساختمانهای زیبا و امثال آن است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۱۶۹)

رشید رضا نیز در تفسیر این آیه می‌گوید که لام در جمله (لیضلوا) لام عاقبت است، و معنای آیه اینست که: «خدایا! توبه فرعون و فرعونیان زینت و اموال دادی، و نتیجه و عاقبتش این شد که بندگانت را از راهت گمراه کنند». (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ۱۱، ۴۷۲)

پرواضح است بر طبق این تفاسیر یکی از دلایل مهمی که موجب می‌شود اعمال انسان در نظرش زیبا جلوه کند و با این فکر اشتباه به مسیر انحراف قدم بردارد، همین ابزار فرهنگی دشمنان است. همچنانکه شیاطین با روش زینت بخشی، در افکار انسانها نفوذ کرده و ایشان را گمراه می‌کنند، دشمنان که جنود شیاطین هستند نیز چنین می‌کنند.

۲. تحمیل سبک زندگی غربی

یکی از شایع‌ترین مواردی که دشمنان روی آن تأکید دارند این است که تمدن غرب و سبک زندگی‌شان از سایر امم دیگر برتر است و لذا باید این سبک زندگی در کشورهای جهان

سومی تقلید شود. رهبرانقلاب در این زمینه فرموده‌اند: «باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت آلود، گناه آلود، هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهائی را عادت کرده ایم تقلید کنیم». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۹۱/۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

رهبر انقلاب در انتهای بیاناتشان در بیانیه گام دوم نیز فرمودند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و به ملت ما زده است. مقابله با آن جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

باتوجه به این فرمایش، تغییر فرهنگ و سبک زندگی مسلمین یکی از ابزار مورد استفاده دشمنان است. آنان تلاش می کنند تا گفتمان دینی (منحرف)، خود را بر فرد و گروه و یا جامعه تحمیل کنند، وگفتمان اسلامی را از دایره رقابت بیرون کنند. چرا که خوب می دانند اگر مردم دنیا از محاسن اسلام با خبر شوند فوج فوج به این دین تمایل پیدا می کنند و در نتیجه کارشان تمام خواهد بود. هدف اساسی نفوذی ها در اینجا تغییر رویکردها و تسلط بر حاکمیت فرهنگی جامعه مسلمین است که برای دستیابی به این هدف، گاه به تغییر اصل حاکمیت روی می آورند و اگر زورشان نرسد به دنبال تغییر فرهنگ و رویکردها و سبک های زندگی با استفاده از ابزارهای فرهنگی می گردند. همان بلایی را که سر مسلمانان اندلس آوردند، اینجا بدتر از آن را تکرار خواهند کرد. خدای متعال در قرآن می فرماید، دشمنان مسلمانان (یهود و نصاریی که به دشمنی با اسلام برخاستند) تا وقتی که شما از ایشان تبعیت نکنید از شما راضی نمی شوند. لذا درباره تلاش نفوذی ها در این باره می فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ اتِّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ». و هرگز یهود و نصاری از تو خشنود

نخواهند شد تا آنکه از آیین آنان پیروی کنی بگو: به یقین تنها هدایت خداوند هدایت (واقعی) است و اگر پس از دانشی که برایت حاصل شد از هواهای آنها پیروی کنی هرگز برای تو از جانب خداوند سرپرست و یاوروی نخواهد بود (بقره، ۱۲۰)

بنابراین به فرموده رهبر انقلاب، یکی از عرصه‌های مهمی که دشمنان از مسلمین راضی نمی‌شوند همین مسئله فرهنگی است. به صورت یک قاعده کلی تا وقتی فرهنگ خارجی را از آنها اخذ کنند از ایشان راضی خواهند بود، چرا که در این صورت بردگانی برای خدمت به غرب و فرهنگشان تلقی می‌شوند. به همین دلیل اگر مسلمین نسبت به فرهنگ آنها بی‌رغبت باشند آرام و قرار نخواهند داشت. لذا اگر مسلمانان مشاهده کردند که کفار از دین آنان راضی هستند، باید در دینداری خود تردید نمایند. دینداری کافرپسند، همان کفر است.

۳. شیوع شبهات

از مواردی که در دنیای امروز بسیاری از جوانان و حتی عموم مردم را تهدید می‌کند شیوع شبهاتی است که دشمنان به صورت مفصل و گسترده و در عرصه‌های گوناگون دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در دستور کار خود دارند. شبهه افکنی ابزار فرهنگی بسیار مناسبی برای تشکیک در اصل دین و حکومت دینی و ایجاد خودباختگی و یاس و ناامیدی خواهد بود. حضرت آیه‌ا... خامنه‌ای علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: «دیگر مثل سابق نیست که شما بخواهید یک مطلبی را بیان کنید، ناچار باشید روی کاغذ بنویسید، آن را پلی‌کپی کنید یا فتوکپی کنید. ده نسخه، صد نسخه، دویست نسخه؛ این جوری نیست. هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند یک رسانه است. می‌نشینند پخش می‌کنند شبهات را، حرفها را، (و) جوانهای مؤمن را، جوانهای سالم را گمراه می‌کنند. اینها را باید شناخت. چه کسی بایستی بیاید وسط میدان و سینه سپر کند و مانع بشود از گمراهی جوانان؟ چه کسی باید مانع بشود از اقدام دشمن برای انحراف ذهن جوانان». (امام خامنه‌ای، بیانات در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید،

بنابرگزارش تاریخ و روایات، در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام زحماتی بر نظام اسلامی تحمیل شد که در نتیجه القاء شبهات و چالش حکومت اسلامی با افرادی که مدعی اسلام بودند، به وجود آمد. متأسفانه در دوران ائمه (علیهم السلام) نیز این جریان ادامه داشت. باید توجه داشت امام علی علیه السلام در مقابل کسانی قرار گرفتند که مدعی اسلام بودند. لکن به خاطر هواهای نفسانی، راه را غلط می رفتند. این مشکل ترین وضعی است که نظام را درگیر می کند. به طوری که حدود چهارصد تن از اصحاب عبدالله بن مسعود خدمت حضرت آمده و می گویند: «یا امیرالمؤمنین انا شککنا فی هذا القتال علی معرفتنا بفضلک!». (ابن مزاحم منقروی، ۱۴۰۴، ۱۱۵) ما در عین شناختی که از فضیلت شما داریم در جنگ کنونی شک داریم. لذا این شبهات باعث ایجاد شک و تردید در مردم شده و پایه های حرکت صحیح جامعه ی اسلامی را مثل موربانه می جود. مخصوصاً اگر خواص در حقایق روشن شک و تردید پیدا کنند، اساس امور و کارها مشکل تر خواهد شد. اینجاست که دفع و رفع شبهات امری ضروری و حیاتی به حساب می آید. مشکل کار در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، این شبهات بود و در عصر حاضر نیز همینگونه است. لذا به فرموده رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم، کار جهادی می طلبد.

۴. ترویج زبان

گاهی مراد از زبان، بیان نرم و خوب ولین است که البته مورد استفاده دشمنان نیز می باشد. لکن منظور از زبان در این قسمت، همان ادبیات مرسوم گفتاری و نوشتاری و شنیداری در کشورهای مختلف است. امروزه در میان مردم دنیا، زبان بریتانیایی و امریکایی بیشتر کاربرد را دارد. بنابراین یکی از مهمترین ابزار و شیوه های نفوذ فرهنگی، ترویج زبان می باشد. چرا که گسترده ترین راه برای نفوذ در یک کشور و انتقال فرهنگ بیگانه، زبان است. مقام معظم رهبری علیه السلام در این زمینه می فرماید: «کشورهای مقتدر دنیا تلاش می کنند که زبان خودشان را در دنیا رایج کنند. چون زبان بزرگترین رقم یک ملت و کانال عمده فرهنگ اوست، که لباس، آداب، دین، عقاید و باورهای اجتماعیش را منتقل کند». (امام خامنه ای، بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری: ۷۲/۵/۱۲، - <https://farsi.khamenei.ir/speech>)

(content?id=2678

همچنانکه بیان شد زبان وسیله‌ای برای ابراز تفکر بوده و غالباً برای انتقال فکر کسی به دیگری به کار می‌رود که ممکن است به وسیله گفتن، نوشتن، اشاره و یا لمس انجام شود. خدای متعال در کتابش اشاره می‌فرماید که قرآن را به این جهت به زبان عربی نازل نمود تا در آن تعقل شود: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف، ۳) ما آن را خواندنی عربی (واضح) قرار دادیم، تا شاید شما خردورزی کنید. یعنی علت نزل قرآن به زبان عربی این است که مردم، محتوای آن را فهمیده و در جملات آن تفکر نمایند. در واقع خدای متعال برای انتقال مفاهیم و دستورالعمل‌های هدایت بشر، ابتدا از طریق زبان مرسوم آن قوم (یعنی عربی) استفاده نموده است.

در تفسیر مجمع البیان و نفحات الرحمان نیز به این مطلب اشاره شده است: «قرآن عربی یعنی روی مجرای کلام عرب، در گفتگوی خود، آن را به زبان عرب نازل کردیم». (طبرسی، ۱۳۵۹، ۱۲، ۱۵۷). «قُرْآنًا عَرَبِيًّا بَلَّغْتُمْ» (نهایندی، ۳، ۱۳۸۶، ۳۶۳)

به همین جهت در جای دیگر نیز می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ». ما هیچ پیامبری را جز اینکه به زبان قومش تکلم کند به پیامبری مبعوث نکردیم تا بتواند حقایق و مطالب دین را برای آنها به خوبی شرح دهد. (ابراهیم، ۴)

روشن شد که استفاده از زبان برای انتقال فرهنگ و تعلیمات تربیتی یک راهکار دینی به شمار می‌آید. جالب اینکه دشمن نیز از طریق حيله مشابه سازی، به وسیله زبان، فرهنگ باطل خود را رواج می‌دهد. لذا دیده می‌شود که آنها در جهت منافع خویش و از طریق زبان، در مورد فرهنگ دینی انقلاب اسلامی حرف‌هایی زده و حتی آن را حق عنوان می‌کنند، و به نوعی فرهنگ انقلابی ایران را تحریف می‌نمایند. این همان کاری است که خداوند به شدت توبیخ نموده و می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمُ الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيُفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يَفْلِحُونَ». از گفتن حرف‌هایی بی‌اساس که زبان‌هایتان عامل شیوع آن هستند اجتناب کنید و نگویید این حلال است و آن حرام تا

حکمی نادرست را به خداوند نسبت دهید، کسانی که بر خداوند دروغ می‌بندند روی رستگاری را نخواهند دید.» (نحل/۱۱۶)

در فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام نیز تذکر داده شد که باید مراقب انتقال فرهنگ بیگانه از طریق زبان بود. کتب و نشریات، ترویج کالاهای لوکس مصرفی و الگوهای تجمل‌گرایی، شیوع لباسهای غربی؛ پوستر، عکس و فیلم‌های سینمایی بر اساس فرهنگ بی بند و بار، استفاده از اساتید فرنگ رفته که تحصیلات عالی و طولانی در غرب داشته‌اند و غیره از ابزارهای دیگری است که در نفوذ فرهنگی مورد استفاده دشمنان قرار می‌گیرد.

راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی

پس از تطبیق آیات و روایات در مورد اصل مسئله نفوذ فرهنگی و آثار و ابزارش، اینک به بررسی سه راهکار از مهمترین راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی در کلام رهبری و استنادش به آیات و روایت پرداخته می‌شود.

۱. تلاش در ایجاد اعتماد به نفس ملی

در بخشهای گذشته بیان شد که یکی از آثار نفوذ فرهنگی در جامعه، ایجاد وابستگی در ذهن و عمل است. نقطه مقابل وابستگی برای مقابله با آن، داشتن اعتماد به نفس است. لذا یکی از بهترین راهها برای مقابله با نفوذ فرهنگی از نگاه رهبری نیز، تلاش برای رسیدن به اعتماد به نفس ملی و اجتماعی است. مقام معظم رهبری علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «اعتماد به نفس ملی؛ که بنده روی این اعتماد به نفس ملی مفضلاً بحث کرده‌ام - در سالهای گذشته، در مجامع بزرگ - که این اعتماد به نفس ملی، راه وابستگی را می‌بندد. اگر این اعتماد به نفس وجود داشت، ملت احساس نمی‌کند که به وابستگی نیاز دارد، بلکه از وابستگی به دیگران می‌گریزد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39710>، ۹۷/۳/۷

در قرآن اشاره شده که پیامبران پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند

وازاومی ترسیدند و از هیچکس جز خدا واهمه نداشتند: «الَّذِينَ يَبُلُّونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَنَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا». (احزاب، ۳۹) این آیه اشاره می‌کند که رهبران الهی و طرفدارانشان در راه اسلام قاطعانه باید پیش روند، حرفهای ناموزون بدگویان را به جان خریدار شوند و بی اعتنا به جو سازیها و غوغای عوام و توطئه فاسدان و مفسدان به برنامه‌های خود ادامه دهند چرا که همه حسابها به دست خدا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷، ۳۳۰)

داشتن اعتماد به نفس، رعب و وحشت و ترس را از بین برده و پذیرش فرهنگ بیگانه را مذموم جلوه می‌دهد. باید دانست که چرخ روزگار همیشه بر وفق مراد پیش نمی‌رود. چون ماهیت دنیا این گونه است و همواره شکست و پیروزی، سختی و آسانی و شادی و غم، همراه یکدیگرند. لذا از ناکامی‌ها نباید ترسید و جایی برای واهمه نخواهد بود. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «الدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ، فَمَنْ كَانَ لَكَ فَلَا تَبَطَّرْ، وَ إِن كَانَ عَلَيْكَ فَلَا تَضَجَّرْ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸، ۲۰) روزگار دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیان توست. اگر به نفع و مطابق میل تو بود، سرمستی مکن و اگر به ضرر تو بود، دلتنگ و بی‌قرار مباش.

۲. ایجاد فضای آزاد فکر و اندیشه و بصیرت افزایی

یکی دیگر از راهکارهای مهم در مقابل نفوذ فرهنگی دشمنان این است که باید آزادانه فکر کرد و با تفکرات پخته و کامل شده راه را برای وابستگی و نفوذ فرهنگی مسدود نمود. دشمن می‌خواهد قدرت فکر و انتخاب را بگیرد تا طعمه اش را به سمت خود کشانده و او را وابسته خود نماید. جامعه با آزادی اندیشه می‌تواند اثرات مخرب نفوذ فرهنگی را درک کرده و از وابسته شدن دوری کند. به همین دلیل مقام معظم رهبری علیه السلام همواره بر آزادی فکر و اندیشه تأکید دارند. ایشان می‌فرمایند: «باید روی مسائل فکر کرد. عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه برسید. نهضت آزاد فکری که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تربیون‌های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند؛ منتها نه متعصبانه و

لجوجانه و تحریک شده ی به وسیله ی جریانات سیاسی و احزاب سیاسی که فقط به فکر آینده ی کوتاه مدت و مقاصد خودشان هستند و برای انتخابات و امثال آن از جوان ها استفاده می کنند؛ بلکه برای پخته شدن، ورز خوردن و ورزیده شدن و با هدف آماده شدن برای ادامه ی این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش عاقبت». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۸۴/۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=3290)

انبیاء و رهبران الهی نیز در راستای اراده الهی، بصیرت افزایی و ایجاد فضای آزاد فکر و اندیشه را سرلوحه دعوت خود برای هدایت پیروانشان قرار داده اند تا از این طریق، انگیزه مبارزه و استقامت نسبت به فرهنگ دینیشان در ایشان مستحکم گردد. لذا حضرت یوسف علیه السلام خطاب به یارانش می فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...» (یوسف، ۱۰۸) بگو: این طریقه و راه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم. حضرت ابراهیم علیه السلام نیز برای هدایت مردم در حوادث مختلف از طریق بصیرت افزایی اقدام می نماید. مثلاً پذیرش خدای ماه و خورشید و ستاره را از طریق بالا بردن عقل و شعور عمومی و افزایش بصیرت پیگیری می فرماید. (انعام، ۷۶ الی ۷۹) یا برای رد کردن مقوله بت پرستی و اینکه بت نمی تواند معبود واقع شود، در اقدامی بصیرت افزا تبر را در دست بت بزرگ قرار می دهد و به این شیوه تلاش می کند تا بصیرت خفته مردم بیدار شود. (انبیاء، ۶۳ الی ۶۷)

به همین مناسبت خداوند، اسلام را دینی آزاداندیش و بصیرت افزا معرفی می نماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ...» (انعام، ۱۰۴) دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد.

این آیات نشان می دهد که برای داشتن فرهنگ اصیل اسلامی و حفظ آن، باید از طریق عقل و منطق و ایجاد فضای مناسب گفت و گو، اقدام نمود. نکته مهم در این قسمت این است که این راهکار در همه زمینه ها و فضاهای حقیقی و مجازی قابل استفاده خواهد بود.

۳. ارزشی کردن فرهنگ دینی و ملی کشور

یکی از آفاتی که به واسطه نفوذ فرهنگی دشمنان گریبان گیر جامعه می‌شود، حذف مقوله ارزشی بودن از ماهیت فرهنگ است. وقتی فرهنگ یک جامعه از ارزش بیفتد، مردمانش دیگر نسبت به حفظ و پابندی به آن فرهنگ اهمی نشان نخواهند داد. از این رو مقام معظم رهبری علیه السلام ارزشی کردن فرهنگ را راهکاری مهم و مناسب برای مقابله با دشمن دانسته و در این زمینه می‌فرماید: «از جمله‌ی کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسائل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریانهای فرهنگی و عاملهای فرهنگی - هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه - در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه‌ی تلاش‌تان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و

اعضای هیأت دولت، ۸۶/۶/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3398>

آیات و روایات نیز همواره فرهنگ اسلامی را ارزشمند معرفی می‌کند. به عنوان نمونه خداوند با یک جمله ارزشی می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». (آل عمران، ۱۹) قطعاً دین (کامل و هدایتگر) نزد خداوند اسلام است. خداوند با کلامش آنچنان ارزشی به فرهنگ اسلامی می‌دهد که دیگر هیچ جایی برای جایگزینی این فرهنگ با سایر فرهنگهای دینی مخدوش (توسط بشر) باقی نماند: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ». (شوری، ۱۳) آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید! و در نهایت ارشاد می‌کند که ورود به غیر فرهنگ اسلامی، موجب فساد امت‌ها و اختلاف و تفرقه خواهد بود: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ». (انعام،

۱۵۳) و مسلماً این [برنامه‌های محکم و استوار و قوانین و مقررات حکیمانه] راه راست من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده می‌کند.

مجموع این آیات، ارزش دادن به فرهنگ متعالی اسلام است. همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً». (اسراء، ۷۰) به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

این آیه اشاره می‌کند که در نگاه اسلام، همه انسانها دارای کرامت و فضیلت هستند و لذا بیان این مطلب، همان ارزش دهی به تعالیم و محتوای متعالی دین مبین اسلام است. بنابراین اسلام همواره تلاش می‌کند با ارزشمند نمودن دین، فرهنگ توحیدی و دینی ناب، جایگزین فرهنگ جاهلی شود. سید قطب در این زمینه می‌گوید: «اسلام از گره نفس بشر، یعنی گره عقیده شروع کرد و با کنندن ریشه بینش و باور جاهلی، بینش صحیح اسلامی را جایگزین ساخت. کاری از ژرفا،... گره فطرت بشر، گره عقیده و باور است و تا زمانی که این گره گشوده نشود، هیچ خُلق نیک و تهذیب نفس و اصلاح اجتماعی رخ نخواهد داد... کلید فطرت بشر اینجاست». (قطب، ۱۴۲۵، ۲، ۹۷۳) بنابراین هر مقدار که دین در عقیده مردم ارزشمند شود، نفوذ دشمنان نیز سخت‌تر خواهد شد.

ائمه معصومین علیهم‌السلام و رهبران الهی نیز در طول تاریخ اسلام، تلاش فراوانی برای ارزشی کردن دین و فرهنگ دینی در فکرو عقیده و عمق جان انسانها نموده‌اند. لذا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در راستای ارزشمندی اسلام، قرآن را اینچنین معرفی نمودند: «فَضَّلُ الْقُرْآنَ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ». (نوری، ۱۴۰۸، ۴، ۲۳۷) فضیلت و برتری قرآن بر سایر کلام‌ها، مانند فضیلت و برتری خدا است بر مخلوقاتش.

سیره اهل بیت علیهم‌السلام و پیروانشان در شهادت طلبی یکی از عناوینی است که نشان دهنده

ارزشمند بودن اسلام است. باید دانست کسی که جان خود را در راه دین خدا تقدیم می‌کند، به صورت عملی، اسلام را ارزشمند معرفی کرده است.

بنابراین جوانان عزیز و با فرهنگ این مرز و بوم می‌بایست هشدارهای رهبری را جدی گرفته و در پی کسب روحیه استقلال و هویت ملی باشند و با استفاده از راهکارهای مناسب در برابر نفوذ دشمنان خصوصاً در عرصه فرهنگی، از فرهنگ و تمدن اسلامی، دینی و ملی خود دفاع نمایند.

نتیجه‌گیری

از مجموع محتوای این پژوهش به دست می‌آید که مسئله نفوذ دشمن یکی از مسائل مهم روزگشور بوده و بررسی ابعاد مختلف آن امری ضروری می‌باشد. یکی از مهمترین عرصه‌های نفوذ در عرصه فرهنگی نمود پیدا می‌کند. چرا که مقدمه مهمی برای از بین بردن نظام اسلامی به شمار می‌رود. دشمنان با هدف براندازی و استحاله حکومت اسلامی از هر راهی برای نابودی و مخدوش کردن فرهنگ دینی و اسلامی ملت ایران استفاده می‌کنند. اما کلام رهبر حکیم جمهوری اسلامی ایران که مستند به آیات و روایات می‌باشد، مخصوصاً با نظر به بیانیه گام دوم و عملی کردن راهکارهای ایشان در این زمینه می‌تواند نظام اسلامی ایران را از نفوذ دشمنان خصوصاً در زمینه فرهنگی مصون نگه دارد.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن مزاحم منقری، نصر، (۱۴۰۴ ه ق)، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، چاپ دوم، انتشارات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی
۲. ابن منظور الانصاری، محمد بن مکرم بن علی، (۱۴۱۴ ه ق)، لسان العرب، بیروت، جلد سوم، چاپ سوم، انتشارات دارصادر
۳. اسماعیلی، رفیع الدین وعلی اسکندری، (۱۳۹۵ ه ش)، جریان شناسی نفوذ فمینیسم در سینمای ایران، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام و دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۴. آشوری، داریوش، (۱۳۸۹ ه ش)، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، چاپ چهارم، انتشارات آگه
۵. آشوری، داریوش، (۱۳۸۷ ه ش)، دانشنامه سیاسی، تهران، چاپ شانزدهم، انتشارات مروارید
۶. آقابخشی، علی اکبر و مینو افشاری راد، (۱۳۸۴ ه ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپ اول، انتشارات چاپار
۷. آل علی، نور الدین، (۱۳۷۰ ه ش)، اسلام در غرب، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران
۸. الوانی، سید مهدی، (۱۳۸۶ ه ش)، مدیریت عمومی، تهران، چاپ سی و یک، انتشارات نی
۹. جوهری، أبونصر، (۱۴۰۷ ه ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات دار العلم للملایین
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ه ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ اول، انتشارات

دانشگاه تهران

۱۱. رضا، محمدرشید، (۱۴۱۴ ه ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، جلد ۱۱، چاپ اول، انتشارات دارالمعرفه
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ ه ش)، المیزان فی تفسیرالقرآن، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم، جلد ۳ و ۱۰، چاپ پنجم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۹ ه ش)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه: هاشم رسولی، علی صحت و غیره، تهران، جلد ۱۲، چاپ اول، انتشارات فراهانی
۱۴. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، (۱۳۶۸ ه ش)، شرح و ترجمه نهج البلاغه، تهران، چاپ پنجم، موسسه چاپ و انتشارات فقیه
۱۵. قرائتی، محسن، (۱۳۷۴ ه ش)، تفسیر نور، تهران، جلد ۳، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۱۶. قطب، سید، (۱۴۲۵ ه ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، جلد ۲ و ۴، چاپ سی و پنج، انتشارات دار الشروق
۱۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ه ق)، بحار الأنوار، تهران، جلد ۷۸، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه الوفاء
۱۸. معین، محمد، (۱۳۸۸ ه ش)، فرهنگ معین، تهران، جلد ۴، چاپ چهارم، انتشارات زرین
۱۹. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸ ه ش)، تفسیرالکاشف، مترجم: موسی دانش، قم، جلد ۳ و ۴، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، (۱۳۷۱ ه ش)، تفسیر نمونه، تهران، جلد ۲ و ۸ و ۱۷، چاپ دهم، انتشارات دارالکتب الإسلامیة،
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، (۱۳۸۲ ه ش)، برگزیده تفسیر نمونه،

تهران، جلد ۲، چاپ سیزدهم، انتشارات دارالکتب الإسلامية
۲۲. نوری طبرسی (محدث نوری)، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ه ق)، مستدرک الوسائل
ومستنبط المسائل، قم، جلد ۴، بی تا، انتشارات آل بیت علیه السلام لإحياء التراث (برگرفته از
کتابخانه اینترنتی مدرسه فقهت)
۲۳. نهاوندی، محمد، (۱۳۸۶ ه ش)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، جلد ۳،
چاپ اول، انتشارات: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر
سایت ها:

a) <https://www.vajehyab.com>
Khamenei.IR (b

<https://library.tebyan.net/image/MainLogo.png> (c

November vPersian Influence on Greek Culture". Livius.org (d

۲۰۱۹۳. Retrieved ۲۰۱۸